

غزل شماره ۱۶۰

خوش است خلوت اگر یارِ من باشد
نه من بسوزم و او شمعِ انجمن باشد

من آن نکینِ سلیمان به بیچ نستانم
که گاه گاه بر او دستِ اهرمن باشد

روا مدار خدایا که در حریمِ وصال
رقیب محرم و حرمان نصیبِ من باشد

همای کو مکن سایه شرف هرگز

در آن دیار که طوطی کم از زغن باشد

بیان شوق چه حاجت؟ که سوز آتش دل

توان شناخت ز سوزی که در سخن باشد

هوای کوی تو از سرنمی رود آری

غریب را دل سرکشته با وطن باشد

به سان سوسن اگر ده زبان شود حافظ

چو غنچه پیش تو اش مبر بر دهن باشد

تفسیر فال

دعاهایتان بی‌تردید برآورده خواهد شد و به یاری خداوند رقیبانتان در دستیابی به اهدافشان موفق نخواهند شد. با این حال، بهتر است که فکر و ذهن خود را به مسایل و موضوعات دیگری نیز معطوف کنید تا از افکار منفی دور بمانید. روال عادی زندگی شما به نظر می‌رسد که از دست رفته است و این وضعیت می‌تواند موجب آزرده‌گی خاطر شما گردد. اما باید بدانید که شما چیزی با ارزش در دست دارید، چیزی که نه تنها برایتان بسیار عزیز است بلکه می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد. بنابراین، اهمیت این دارایی را جدی بگیرید و نگذارید به دست ناهلان بیفتد؛ زیرا ممکن است از آن بهره‌برداری سوء شود. همچنین، سعی کنید رازدار باشید و اطلاعات حساس خود را تنها با افراد مورد اعتماد در میان بگذارید تا از آسیب‌ها و خطرات احتمالی جلوگیری کنید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)